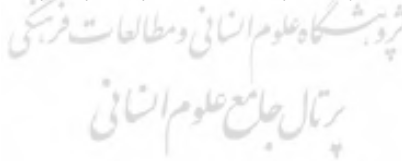


رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه و پیشنهادهای رسانه‌ای آسیه مهرورز^۱، حسن بهشتی‌پور^۲

چکیده

حوزه ژئوپولیتیک دریای سیاه در سال‌های اخیر، به کانون مهم رقابت میان روسیه با اعضای ناتو به‌ویژه آمریکا تبدیل شده است که واکاوی ابعاد مختلف این رقابت حائز اهمیت است. هدف این مقاله بررسی پیامدهای حاصل از این رقابت‌ها در دریای سیاه است که به روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظریات «سازمان‌نگاری» و «نظم جهانی» انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد حمایت غرب و آمریکا از انقلاب‌های رنگین در گرجستان و اوکراین، دعوت از آن‌ها برای پیوستن به ناتو، پذیرش عضویت کشورهای شرق اروپا در این سازمان در کنار ماجراجویی‌های نظامی موجب شده تا روسیه با درک تهدیدهای امنیتی از ناحیه ناتو و آمریکا، حضور نظامی خود را در این پهنه آبی استراتژیک تقویت کند. حمایت مسکو از اعلام استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا در پی جنگ با گرجستان در سال ۲۰۰۸، الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و استقرار سامانه‌های موشکی در کالینینگراد از جمله اقدامات بازدارنده مسکو در حوزه دریای سیاه است. در مجموع می‌توان گفت رقابت روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه بیشترین تأثیر را از حیث تشدید مسابقات تسلیحاتی به‌دنبال داشته و این حوزه استراتژیک را به بستری بالقوه برای مناقشات بیشتر در آینده تبدیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: ناتو، روسیه، آمریکا، دریای سیاه، سازمان‌نگاری، رسانه برون‌مرزی.



تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران غرب و کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه صداوسیما (نویسنده مسئول).

s.mehrvarz.u@gmail.com
h.beheshtipour@gmail.com

۲. کارشناس و پژوهشگر ارشد اوراسیا.



۱. مقدمه

حوزه دریای سیاه در سال‌های اخیر به کانون مناقشه میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. به‌گونه‌ای که این مناقشات به تشدید مسابقات تسلیحاتی و عقب‌نگاه داشتن منطقه از فرایند توسعه پایدار منجر شده است. از سوی دیگر اشتیاق کشورهای حاشیه دریا برای ورود به نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب در کنار بحران‌های قومی- هویتی و گاه تجزیه‌طلبانه در برخی از این کشورها موجب گردید تا بازیگران قدرتمند بین‌المللی از فرصت‌ها و تهدیدهای ظهور یافته در منطقه، برای بیشینه‌سازی منافع استراتژیک خود در این پهنه آبی استفاده کنند. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، دریای سیاه طی یک دهه از مرکز ثقل سیاست‌گذاری‌های آمریکا خارج شد و این کشور عمده توجهات خود را به غرب آسیا معطوف ساخت. آمریکا با رویکرد حمایت از اصلاحات ساختاری در غرب آسیا، مبارزه با تروریسم، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تأمین امنیت ترانزیت انرژی از منطقه، به سطح رو به رشدی از تعامل با روسیه رضایت داد.

دعوت ناتو از روسیه برای پیوستن به مدلی از همکاری‌ها، همچون شورای همکاری آتلانتیک (۱۹۹۱)، برنامه مشارکت برای صلح ناتو و روسیه (۱۹۹۴)، و بالاخره تاسیس شورای ناتو- روسیه نشان داد دو طرف ظاهراً در صدد ایجاد چارچوبی از همکاری مشترک به‌ویژه در فرایند مبارزه با تروریسم و جنایات سازمان‌یافته برآمده‌اند. با این حال، روس‌ها هیچگاه از پویای امنیت و اقتصادی مختلف پیرامون خود که با هدف مهار مسکو در حال شکل‌گیری بود، غافل نماندند. به‌گونه‌ای که حد فاصل سال‌های ۲۰۰۳ (انقلاب رنگی گرجستان) تا ۲۰۱۴ (بحران اوکراین) را می‌توان اوج مناقشه روسیه با ناتو و آمریکا ارزیابی کرد. اعاده حاکمیت روسیه بر شبه‌جزیره استراتژیک کریمه نیز موجب تحریک بیشتر آمریکا و ناتو برای حضور در دریای سیاه شد. حال مسئله این است که حوزه دریای سیاه به‌واسطه افزایش رقابت‌های نظامی و بازدارنده روسیه با اتحادیه ناتو و در راس آن آمریکا دوران حساس و پیچیده‌ای را سپری می‌کند؛ وضعیتی که از نظر رئالیست‌ها به «معمای امنیتی» یا «دوراهی امنیتی»^۱ و از منظر سازه‌انگاری به «برسازی عناصر هویتی» تعبیر می‌شود. هدف اصلی مقاله، شناخت پیامدهای حاصل از این رقابت‌ها در دریای سیاه است. به نظر می‌رسد که این رقابت‌ها موجب افزایش منازعات منطقه‌ای و نظامی‌گری در این حوزه مهم شده است. مقاله در سه بخش شامل رهیافت‌های نظری،

رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا ... ۱۴۱

راهبردهای بازیگران دخیل در رقابت‌ها و مصادیق تنش میان آنها، به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. روش گردآوری اطلاعات اسنادی- کتابخانه‌ای و مصاحبه با سه کارشناس و صاحب‌نظر حوزه روسیه بوده است. این سه کارشناس به روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای تعیین شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

خلف‌خانی و عابدی (۱۳۸۸) دریای سیاه را یکی از کانون‌های مورد توجه نظام سرمایه‌داری غربی معرفی کرده و اعتقاد دارند: «همجواری دریای سیاه با مناطق بحران‌خیز غرب آسیا، احتمال تأثیرپذیری آن از تحولات غرب آسیا را افزایش داده است». مویید دیدگاه نویسندگان، ورود روسیه به بحران سوریه است. به موجب نظریه نظام جهانی والرش‌تاین، ناتو بازوی اجرایی سرمایه‌داری به سرکردگی آمریکا و چتر امنیتی برای سرمایه‌های خارجی و پایین آوردن هزینه‌های الحاق این مناطق به اقتصاد سرمایه‌داری است.

مرشایمر به آمریکا و متحدان اروپایی آن در ناتو هشدار داد که ارسال سلاح به اوکراین موجب نجات ارتش این کشور نمی‌شود و در مقابل به تشدید درگیری‌ها منجر خواهد شد. مرشایمر در مخالفت با تجهیز نظامی اوکراین از سوی آمریکا نوشت: «غرب با جذب اوکراین دچار اشتباه بزرگی شد؛ آن هم در زمانی که علائمی از رقابت نظامی روسیه و ناتو در زمینه موشک‌های میانبرد و سلاح‌های هسته‌ای استراتژیک و تاکتیکی وجود دارد» (Mearsheimer, 2015).

ابراهیمی و بیری (۱۳۹۵) با استفاده از نظریه سازه‌نگاری نشان دادند با تلاش پوتین برای بازیافت جایگاه از دست رفته روسیه در نظام بین‌الملل، زمینه‌های تقابل بین روسیه و ناتو سیر صعودی به خود گرفته است. توکاس^۱ (۲۰۱۸) می‌نویسد: «ترکیه بین سه چالش اساسی پیگیری جاه‌طلبی منطقه‌ای خود، لزوم سازگاری با روسیه و اجرای تعهداتش در درون ناتو گرفتار است. این کشور با آگاهی از برتری و حساسیت نظامی روسیه، سعی می‌کند در دریای سیاه با روسیه رقابت نکند».



ساینا جوجا^۱ (۲۰۲۰)، سه سناریوی منازعه برای دریای سیاه در نظر می‌گیرد. نویسنده در سناریوی نخست، الحاق شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه در سال ۲۰۱۴ را موجب تبدیل شدن روسیه به یک منطقه اقتصادی منحصر به فرد سرشار از گاز فراساحلی می‌داند. سناریوی دوم نویسنده، به کارشکنی روسیه در مسیر مهاجرت پناهندگان از سوریه به اروپا از طریق مرزهای جنوبی بلغارستان به‌عنوان کشور حاشیه دریای سیاه مربوط است که می‌کوشد راه حل‌های ناتو و آمریکا را در این خصوص به بن‌بست بکشانند، سناریوی سوم پرخاشگری بیشتر روسیه در اوکراین است که حساسیت جامعه جهانی را برانگیخته و موجب ورود کشتی‌های جنگی آمریکا به دریای سیاه شده است. پژوهش‌ها و مقالات مورد اشاره، هر یک از زاویه‌ای به رقابت روسیه با ناتو و آمریکا پرداخته‌اند، اما ویژگی متمایز مقاله حاضر که می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های بعدی باشد، این است که پیامدهای این منازعات را صرفاً در حوزه دریای سیاه تحلیل کرده است. همچنین در این مقاله رویکردهای رسانه‌ای برای شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما پیشنهاد شده است.

۳. مبانی نظری

در بررسی چستی تقابل ناتو تحت رهبری آمریکا، با روسیه در حوزه دریای سیاه مقاله از نظریه سازه‌انگاری و نظریه نظام جهانی والرش‌تاین استفاده کرده است.

۳-۱. نظریه سازه‌انگاری^۲

نظریه سازه‌انگاری یکی از نظریات مطرح در مطالعه سیاست و روابط بین‌الملل است که از دهه ۱۹۹۰ به تدریج وارد مباحث اندیشمندان علم سیاست شده است. آنچه در باب نظریه سازه‌انگاری مهم جلوه می‌کند این است که این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی بسنده نمی‌کند، بلکه بر اهمیت انگاره‌ها، قواعد و هنجارها نیز صحنه می‌گذارد. بر اساس این نظریه، تعاملات بین‌المللی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب رفتارهای عقلانی و نهادی در سطح ملی و بین‌المللی تبیین کرد، بلکه در بستر زمان بر اساس نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌گیرد (قوام، ۱۳۸۶: ۲۲۲). سازه‌انگاری به‌طور کلی، به منظری فلسفی گفته می‌شود که بر اساس آن، تمامی دانش‌ها و نیز پدیده‌های انسانی «برساخته» شده‌اند و این برساختگی به‌گونه‌ای اجتماعی

1. Sabina Joja
2. Constructivism

و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است. در نگرش فلسفی سازه‌انگاری، این مفروضه وجود دارد که دانش و آنچه به‌عنوان پدیده‌های انسانی و اجتماعی وجود دارند، لزوماً انعکاس واقعیت‌هایی متعین یا متعالی نیستند؛ بلکه مشروط و وابسته به ذهنیت‌های انسان، تجربه اجتماعی و رسوم و پیمان‌های اجتماعی‌اند (سلیمی، ۱۳۸۹: ۳۴).

سازه‌انگاری معتقد است هویت یک دولت با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که کشورهای دارای ارزش‌های مشترک در آن به اجماع می‌رسند، موضوع امنیت جمعی است و اتحادیه ناتو نیز تبلور این امنیت جمعی است (سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). بنابراین بر اساس نگرش سازه‌انگاری، ارزش‌ها و هنجارها و فرهنگ غربی نقش اساسی در شکل‌گیری و تداوم همکاری‌های امنیتی در قالب سازمان ناتو دارد. چنانکه خود ناتو نیز در بازتولید این ارزش‌ها و فرهنگ دموکراتیک غربی نقش اساسی ایفا کرده است. دولت‌ها یاد می‌گیرند در درون نهادهایی همچون ناتو به دوستان و شرکاء خوب تبدیل شوند و خود را به‌عنوان عضوی از باشگاه دموکراتیک بدانند (Kappen, 1996: 365). بر این اساس ناتو در دوره جنگ سرد بر اساس هویت جمعی لیبرال دموکراسی در مقابل «دیگری» به نام کمونیسم تأسیس شد. به زعم کارگزاران غربی، آنچه پس از پایان جنگ سرد هویت ناتو را به‌عنوان موجودیت اجتماعی تهدید می‌کند، منبعث از سه حوزه تمدنی اسلاویسم، اسلام و کنفوسیانیسم است. درواقع از این منظر است که گسترش و توسعه ناتو به‌سوی شرق معنا یافت. اتحادیه ناتو توانست در پی خلأ هویتی به‌وجود آمده پس از جنگ سرد که خود نتیجه توسل به نوعی فرافکنی در عصر پساکمونیسم است، موجودیت خود را در تقابل با دیگر موجودیت‌ها، بازتعریف کند (منوری، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

در این راستا، کارگزاران اتحادیه ناتو با ایجاد سازوکارهای مختلف همچون شورای همکاری آتلانتیک شمالی، شورای مشترک دائم ناتو - روسیه، طرح مشارکت برای صلح، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک، نیروی واکنش سریع ناتو، طرح اقدام به عضویت، گفتگوی مدیریتانه‌ای؛ کمیسیون مشترک ناتو - اوکراین، و طرح اقدام به مشارکت توانستند حیات این اتحادیه را تضمین کنند (مهرورز، ۱۳۹۰: ۱۷). البته باید توجه داشت که وقتی از ناتو سخن به میان می‌آوریم، نقش رهبری و جایگاه تعیین‌کننده آمریکا در این نهاد را نمی‌توان نادیده گرفت (سجادپور، ۱۳۸۸). کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا در کتابی که با عنوان «استراتژی امنیت ملی آمریکا برای قرن ۲۱» در سال ۲۰۰۱م تدوین کرده، آینده ناتو بدون آمریکا را غیرمطمئن می‌داند.





از نظر نگارندگان کتاب، برتری آمریکا به متحدانش در ناتو در عرصه تکنولوژیک و تأمین بودجه، ادامه تنش‌های ناتو با روسیه و پیش‌بینی درباره سیل مهاجرت‌ها به اروپا از شمال آفریقا و غرب آسیا در اثر منازعات داخلی و جنگ‌ها موجب شده تا در بیست و پنج سال آینده، حضور نظامی و رهبری آمریکا در ناتو برای متحدان آن تعیین کننده باشد (کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

در بررسی تحولات سیاست خارجی روسیه نیز، با وجودی که پس از فروپاشی کمونیسم، سیاست خارجی مسکو در زورآزمایی میان سه گفتمان آتلانتیک‌گرایی (همگرایی با غرب)، اوراسیاگرایی (نزدیکی به کشورهای آسیایی) و ملی‌گرایی (بازگشت به عظمت دوره شوروی) در نوسان بود، روس‌ها بر اساس ادراکات ذهنی از پیشینه تمدنی و مذهبی خود، موقعیت منطقه‌ای، ظرفیت‌های انرژی و سازه‌های هویتی همسو با قومیت‌های موجود در منطقه، به این جمع‌بندی رسیدند که می‌توانند جایگاه بین‌المللی خود را بازیابند. در نتیجه با ادامه سیاست‌های تهاجمی آمریکا به‌عنوان مظهر نظام سرمایه‌داری در دوران پساجنگ سرد، این ذهنیت در میان جریان‌های سیاسی و مردم روسیه شکل گرفت که آمریکا بزرگترین مانع در مسیر احیای قدرت روسیه است. روسیه که فکر می‌کرد دیگر جایی در بازی قدرت جهانی ندارد، به فکر بازخیزی عناصر هویتی خود در سایر موقعیت‌های بین‌المللی افتاد؛ حضور موثر این کشور در بحران سوریه، حمایت از دولت‌های سوسیالیستی در آمریکای لاتین و در حیاط خلوت آمریکا، تلاش در وابسته کردن کشورهای شمال و غرب اروپا به منابع انرژی خود و نیز حمایت از برنامه هسته‌ای مسالمت‌آمیز ایران، همگی نشان می‌دهد که مسکو می‌کوشد برپایه قدرت ملی و تاریخی خود بار دیگر به‌عنوان قدرت بزرگ در معادلات جهانی و منطقه‌ای سر برآورد. تلاش غرب برای خارج کردن اوکراین از مدار روسیه نیز موجب شد تا مسکو با مداخله در بحران داخلی ۲۰۱۴ این کشور و الحاق کریمه این پیام را به ناتو و اتحادیه اروپا منتقل کند که منطقه خارج نزدیک روسیه حوزه منافع حیاتی و هویتی روسیه است. اوکراین طی سه قرن گذشته بخشی از روسیه بزرگ به‌شمار می‌آمد و نخستین دولت روسی در کی‌یف شکل گرفت. در حال حاضر حدود ۸/۳ میلیون نفر اقلیت روس‌تبار در اوکراین زندگی می‌کنند که در مجموع ۱۷/۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (کریمی‌فرد و روحی‌دهبانه، ۱۳۹۵: ۵۶۶). از این رو به‌موجب تئوری سازه‌نگاری، روسیه به منظور اجرای ماموریت تاریخی خود در پیوند میان دو هویت اسلاو و اروپایی، به تقابل با نهادهای غربی می‌پردازد.

۳-۲. نظریه نظم جهانی^۱

به‌موجب نظریه نظم جهانی ایمانوئل والرشتاین^۲، نظام جهانی به سه منطقه هسته، پیرامون و شبه‌پیرامون تقسیم می‌شود. در کشورهای هسته (مرکز)، تولید صنعتی با مهارت بالا و با استفاده از سرمایه کافی انجام می‌شود. اما در مناطق پیرامون، تولید با مهارت کمتر و با استفاده از نیروی کار ارزان انجام می‌شود و اغلب تولیدات شامل استخراج مواد اولیه و خام است. این وضعیت یعنی نیروی کار ارزان و مواد خام در کشورهای پیرامون موجب جلب توجه کشورهای مرکز و نهایتاً سلطه آنها بر پیرامون است و بالاخره بخش سوم نظامات جهانی شامل کشورهای شبه‌پیرامون است که در خصوصیات هر دو حیطه مرکز و پیرامون سهیم‌اند. شبه‌پیرامونی‌ها از قطبی شدن میان جوامع مرکزی و پیرامونی ممانعت می‌کنند و بنابراین تثبیت کننده نظام به شمار می‌آیند. از نظر والرشتاین نابرابری، اصل اساسی و نیروی محرک نظام جهانی است. به نظر او توسعه همزمان همه دولت‌ها میسر نیست، به‌گونه‌ای که برخی کشورها به بهای توسعه نیافتگی کشورهای دیگر، به توسعه نائل می‌شوند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۶۳). فروپاشی شوروی، زمینه الحاق کشورهای شرق اروپا را در نظام جهانی فراهم آورد. از سوی دیگر توسعه سرمایه‌داری همیشه با توسعه و حضور نظامی همراه بوده است و عمدتاً با کمک نیروهای نظامی توسعه یافته است (خلف‌خانی و عابدی، ۱۳۸۸: ۹۸). از این رو گسترش ناتو به شرق، قسمتی از استراتژی سرمایه‌داری برای خروج از بحران تلقی می‌شود. والرشتاین معتقد است گسترش‌های پی‌درپی، فرایندی آگاهانه‌اند که از انواع فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده کرده و بر مقاومت‌های سیاسی در منطقه در برابر این گسترش جغرافیایی، فائق آمده‌اند (والرشتاین، ۱۳۸۷: ۸۷). به این ترتیب همانطور که به‌موجب دیدگاه سازه‌انگاری، ناتو به‌عنوان موجودیتی اجتماعی، پس از جنگ سرد، هویت خود را در تقابل با دیگر موجودیت‌ها، باز تعریف کرده، بر اساس نظریه نظم جهانی والرشتاین، دست‌اندازی به مناطق توسعه‌نیافته همچون حیطات خلوت روسیه را با هدف حمایت از نظم سرمایه‌داری توجیه می‌کند.

۴. اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک دریای سیاه

منطقه دریای سیاه به‌لحاظ قرار گرفتن در تقاطع آسیا و اروپا اهمیت بسیار بالایی دارد. ذخایر هیدروکربنی موجود در کشورهای حاشیه دریای خزر از طریق ترکیه و گرجستان (کشورهای

1. Theory of World Order

2. Wallerstein





حوزه دریای سیاه) به اروپا منتقل می‌شود. خط لوله باکو-نوروسیسک (۱۵۰۰ کیلومتر)، خط لوله نفت باکو-سوپسا (۹۲۰ کیلومتر)، خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان (۱۷۳۰ کیلومتر)، خط لوله نفت تنگیز-نوروسیسک (۱۶۰۰ کیلومتر) و خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم مهمترین خطوط انتقال انرژی از مسیر غرب به اروپا هستند که عمدتاً در حوزه دریای سیاه قرار دارند (اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸:۱۲). از منظر اقتصادی نیز دریای سیاه ظرفیت‌های بالایی دارد. ماهی منبع بیولوژیکی اصلی این دریاست. در سال‌های اخیر، محبوبیت دریای سیاه به‌عنوان مقصد گردشگری به‌طور پیوسته در حال افزایش است. آب و هوای دلپذیر حوزه دریای سیاه گردشگران زیادی را به خود جلب می‌کند. چشمه‌های آب معدنی در بندر کریمه، و وجود سواحل شنی در بلغارستان و رومانی به‌عنوان منابع اصلی جذب توریست در منطقه به‌شمار می‌روند (Britannica, 2020). شبه‌جزیره کریمه واقع در این دریا از اهمیتی حیاتی برای روسیه و اوکراین برخوردار است. این منطقه در حد فاصل دریای سیاه و آزوف^۱ واقع شده و یکی از مسیرهای حمل‌ونقل روسیه و اوکراین با شرق اروپا و غرب آسیا است. این شبه‌جزیره همچنین غنی از منابع زیرزمینی است. کریمه که وسعتی به اندازه کشور بلژیک دارد، به‌لحاظ کشاورزی به‌ویژه در زمینه تولید تنباکو در جهان مورد توجه است. کنترل این شبه‌جزیره از حیث تسلط بر دریای سیاه، کنترل کریدور جنوب در عرضه منابع گازی روسیه به بازارهای جهانی و نیز از نظر بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای سیاه برای روسیه و اوکراین اهمیت اساسی دارد.

بحران در روابط غرب و روسیه در پی الحاق بندر استراتژیک کریمه از سوی روسیه موجب شد اتحادیه اروپا با اعمال تحریم روسیه، و ناتو با تقویت همکاری نظامی با دول حاشیه دریای سیاه جبهه جدیدی را ضد روسیه بگشایند. پیر امانوئل تامن^۲، یکی از سخنرانان کنفرانس «اهمیت ژئوپولیتیکی دریای سیاه در متن رقابت قدرت‌های بزرگ ۲۰۱۹» با اشاره به دو تحول مهم شامل مبارزه میان بازیگران در توزیع فضاهای ژئوپولیتیکی و رقابت‌های عقیدتی ذیل فرایند جهانی‌سازی گفت: «آمریکا به اروپا به‌مثابه ریملند می‌نگرد که تنها صحنه‌گردان سیاست خارجی آمریکا در مقابل اوراسیا است. این استراتژی شامل محاصره اوراسیا، ایجاد پایگاه‌های آمریکایی ناتو و اسقرار زیرساخت‌های دفاع موشکی است. در مانور محاصره اوراسیا، اوکراین و کشورهای عضو ناتو در حاشیه دریای سیاه کشورهای مهمی هستند که برای جلوگیری از تبدیل دریای سیاه

1. AZOV

2. Pierre-Emmanuel Thomann

به دریاچه روسی مورد توجه آمریکا قرار دارند (2020eurocontinent). از سوی دیگر روسیه نیز با هدف به چالش کشیدن پروژه تک‌قطبی یورو-آتلانتیست می‌کوشد به‌منظور جلوگیری از پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو بیشترین فشار را بر این دو کشور وارد کند. چه اینکه درگیری‌های منجمد در گرجستان و به‌رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای شمالی توسط روسیه و الحاق بندر کریمه به روسیه در کوتاه‌مدت مانع از عضویت این کشورها در ائتلاف نظامی با غرب خواهد شد. این امر به روسیه این امکان را می‌دهد با کنترل کامل بندر سواستوپول، دسترسی ممتاز به دریای سیاه داشته باشد و از محاصره خود توسط سیستم دفاع موشکی ناتو و پایگاه‌های ناتو در دریای سیاه جلوگیری کند.

۵. رویکرد ناتو و روسیه در انقلاب‌های رنگین^۱ (گرجستان ۲۰۰۳، اوکراین ۲۰۰۴) و بحران اوکراین ۲۰۱۴

انقلاب‌های رنگین در کشورهای اقمار سابق روسیه در حالی به‌وقوع پیوست که اتحادیه ناتو در مرحله نخست بازخیزی، پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کاملاً ذیل راهبردهای امنیتی و سیاسی آمریکا از جمله سند موسوم به راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۲ این کشور قرار داشت. در این سند نارسایی رویه‌هایی مانند مهار و بازدارندگی، اعلام، و از اقدام پیش‌دستانه به‌عنوان روشی موثر برای مقابله با «تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی» یاد شده است. استراتژی سد نفوذ دوران کمونیسم در اندیشه ناتو که محور اصلی سیاست خارجی آمریکا بود، جای خود را به استراتژی گسترش داد. براساس استراتژی گسترش، آمریکا بایستی به گسترش دموکراسی در مناطق حساس غرب آسیا، اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی بپردازد. غرب در اجرای این ایده از همه ابزارها از جمله ناتو استفاده کرد. آمریکا همچنین بیشترین کمک‌های مالی را به این امر اختصاص داد. به‌عنوان مثال بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ آمریکا مبلغ یک میلیارد دلار به کشورهای ارمنستان و گرجستان برای تشویق آن‌ها به دموکراسی‌سازی کمک کرد. پس از تصویب قانون حمایت از دموکراسی در کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۲، این کشور در شرق اروپا و جمهوری‌های شوروی سابق جمعاً ۳۵۰ میلیون دلار به‌خصوص در بخش رسانه‌ها هزینه کرد.





پس از انقلاب گل رز در گرجستان در سال ۲۰۰۳ آمریکا ۱/۴ میلیارد دلار به گرجستان کمک کرد (شبان فاریابی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

در اوکراین نیز آمار مختلفی از رقم ۱۴ میلیون دلار تا ۶۵ میلیون دلار درباره کمک‌های مالی از سوی موسسه امریکایی ائتلاف برای انتخاب آزاد به انقلاب رنگی اوکراین منتشر شده است (فتاهی، ۱۳۸۸: ۹۱). به این ترتیب ناتو ماموریت خود را عملاً در دو جبهه مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی و نفوذ به مرزهای روسیه از طریق حمایت از انقلاب‌های رنگین بازتعریف کرد. روسیه نیز در تقابل با این تحرکات به تکاپو افتاد. طوری که انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ در اوکراین علاوه بر تحولات داخلی منجر به تیرگی روابط اوکراین با روسیه و بالا گرفتن اختلافات گازی دو کشور بر سر حق ترانزیت گاز روسیه به اروپا از خاک اوکراین و نهایتاً قطع گاز صادراتی روسیه به اوکراین در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ میلادی شد. در واقع بازی گازی روسیه با اوکراین، نشان داد این رویداد در نگاه روس‌ها بخشی از فرایند بازگشت اوکراین به دامن مسکو است که با اعتراض آبی‌پوشان خسته از سیاست‌های ناکارآمد یوشچنکووی غرب‌گرا به اوج خود رسیده بود. به‌گونه‌ای که با پیروزی یانوکویچ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۰، عملاً موانع جدی بر سر راه جریان‌های غرب‌گرا در اوکراین قرار گرفت. روسیه تشدید تنش‌های داخلی در اوکراین را فرصتی تاریخی برای خود می‌دانست تا بتواند با جداکردن شبه‌جزیره کریمه از اوکراین، سیطره راهبردی خود را در دریای سیاه تحکیم بخشد. روسیه در پی همه‌پرسی در ۱۷ مارس ۲۰۱۴ و اعلام موافقت ۹۵ درصد از ساکنان این جزیره با الحاق به روسیه، این منطقه مهم را به خاک خود منضم کرد. به این ترتیب این کشور علاوه بر تثبیت اقتدار خود در دریای سیاه دیگر مجبور نبود بابت اجاره بندر سواستوپل برای استقرار ناوگان هسته‌ای خود در بندر کریمه سالانه ۳۰۰ میلیون دلار به کی‌اف اعطا کند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۲).

اما این پایان ماجرا نبود. آمریکا و اتحادیه اروپا در واکنش به این اقدام روسیه به سرعت به تحریم‌های اقتصادی علیه کرملین دست زدند. دبیر کل ناتو در نخستین موضع‌گیری خود اعلام کرد: «به‌هیچ وجه این الحاق را به رسمیت نخواهیم شناخت». ینس استولتنبرگ بر ادامه فشار و تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه از سوی جامعه جهانی تأکید کرد (tit, 2016). شبه‌جزیره کریمه به‌عنوان جنوبی‌ترین نقطه جغرافیایی اوکراین، با قرارگرفتن در دریای سیاه از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و همچنین ژئواکونومیکی خاصی برخوردار است. کل خطوط ساحلی روسیه ۳۷,۶۵۳ کیلومتر است (cia.gov, 2020) که فقط ۱۱۷۱ کیلومتر آن در دریای سیاه قرار دارد.

تصرف کریمه در سال ۲۰۱۴ حدود ۷۵۰ کیلومتر به خط ساحلی روسیه افزود. تسلط بر کریمه همچنین خطوط دفاع روسیه را تا چند صد کیلومتر گسترش داده است. با الحاق کریمه به فدراسیون روسیه، این کشور پایگاهی دائمی برای گسترش ناوگان خود در دریای سیاه، به‌دست آورد که از طریق آن می‌تواند با گسترش ناتو مقابله کند. در اسناد استراتژیک نیروی دریایی روسیه ۲۰۲۰، بر تبدیل شدن روسیه به یکی از بزرگترین نیروهای دریایی جهان تأکید شده است (وئوقی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۳۸). دکترین دریایی ۲۰۲۰ روسیه که در ۲۰۱۱ میلادی تدوین شده بود و در ژوئیه ۲۰۱۵ از سوی رئیس‌جمهور مورد بازنگری قرار گرفت، بر مخالفت این کشور با گسترش ناتو به شرق، و تقویت حضور ناوگان این کشور در دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس شمالی تأکید دارد (Blank, 2015: 151). در دکترین دریایی ۲۰۲۰ روسیه همچنین بر اهمیت بندر سواستوپول در کریمه تأکید شده است. در واقع روسیه با تصرف کریمه خواست از دو تهدید جلوگیری کند: نخست ممانعت از عضویت اوکراین در ناتو و دیگری جلوگیری از تخلیه ناوگان دریای سیاه روسیه در کریمه (Trisman, 2016).

در مورد گرجستان هم با وقوع انقلاب مخملی، رویارویی روسیه با حامیان غربی انقلابیون شکل گرفت. در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۳ انقلاب مخملی به رهبری میخائیل ساکاشویلی^۱ به پیروزی رسید و به‌رغم خواست روسیه، گرجستان را بیش از گذشته به متحد غرب تبدیل کرد. اما اوضاع نابسامان اقتصادی، افزایش روزافزون فقر و فساد اداری در کنار تمایلات تجزیه‌طلبانه جمهوری‌های خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی موجب شد ساکاشویلی با کناره‌گیری از قدرت در نوامبر ۲۰۰۷ زمینه برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری در ژانویه ۲۰۰۸ را فراهم کند و در آن انتخابات مجدد به قدرت رسید. تحولات داخلی گرجستان در این سال با جنگ ۵ روزه این کشور با روسیه همراه شد. در اوت ۲۰۰۸ میلادی جنگ میان جدایی‌طلبان اوستیای جنوبی و نیروهای دولت مرکزی گرجستان آغاز شد؛ زمانی که دولت مرکزی گرجستان با حملات هوایی و زمینی، تسخینوالی^۲ پایتخت اوستیای جنوبی را هدف گرفت، در واکنش به این حملات، تانک‌های روسیه به بهانه حمایت از شهروندان روس، وارد اوستیای جنوبی شدند؛ روس‌ها در مدت کوتاهی کنترل این منطقه را در دست گرفتند و حتی به حومه شهر تفلیس نیز حمله کردند. بنا بر داده‌های اتحادیه اروپا، در جریان این جنگ پنج روزه ۸۰۰ نفر کشته شدند. این جنگ

1. Mikheil Saakashvili

2. Tskhinvali





۱۷۰۰ زخمی و ۱۲۰ هزار آواره نیز برجای گذاشت. بعد از جنگ، روسیه موجودیت اوستیای جنوبی و آبخازیا را به‌عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت؛ اقدامی که منجر به قطع مناسبات دیپلماتیک گرجستان با روسیه و خروج گرجستان از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) شد. متعاقب این تحولات، دولت گرجستان با شدت بیشتری خواستار تخلیه کلیه پایگاه‌های نظامی روسیه مستقر در خاک خود شد. روس‌ها در پاسخ به این درخواست اقدام به تخلیه پایگاه‌های باتومی^۱ و آخالکالاکي^۲ کردند و در عوض حضور نظامی خود را در مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی تثبیت کردند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶). از این رو مهم‌ترین پیامد جنگ روسیه با گرجستان تثبیت کامل موقعیت روسیه در مقابل پیش‌روی‌های ناتو در این منطقه بود. روسیه به آمریکا و کشورهای منطقه نشان داد که آنان حاکم اصلی قفقاز جنوبی هستند (بهشتی‌پور، ۱۳۹۷). در پی به قدرت رسیدن مجدد نیروهای روس‌گرا در گرجستان، روابط دو کشور مجدداً ترمیم و روابط اقتصادی از سر گرفته شد. با این وجود نه از مخالفت روسیه با تمایلات آتلانتیک‌گرایی تفلیس کاسته شد و نه تغییری در سیاست گرجستان در الحاق به اتحادیه اروپا و ناتو ایجاد شد. در مقابل تمایلات غرب‌محور تفلیس، کشورهای غربی از گرجستان حمایت سیاسی و نظامی می‌کنند. ناتو به‌طور مرتب تمرینات نظامی در گرجستان برگزار می‌کند، از جمله در اوت ۲۰۱۹ بزرگترین مانور نظامی ناتو به همراه گرجستان در غرب این کشور برگزار شد. این مانور تحت عنوان روح چابک^۳ با حضور ۳ هزار نظامی از ۱۴ کشور عضو ناتو و گرجستان برگزار شد (Schubert, 2019).

۶. مصادیق تنش و رقابت روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه

رقابت‌های روسیه و ناتو در دریای سیاه تابعی از رویکرد تقابلی دو طرف در سایر محیط‌های ژئوپولیتیک است. برخی از مصادیق تنش میان روسیه و متحدان ناتو در دریای سیاه عبارتند از:

۶-۱. استقرار سامانه‌های ضد موشکی

استقرار سامانه دفاع موشکی در راهبرد امنیتی آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد. این طرح در دوران جنگ سرد در قالب جنگ ستارگان^۴ تعریف شد. پس از جنگ سرد در دوران بوش پدر، آمریکا

1. Batumi
2. Akhalkalaki
3. Spirit agile
4. Star wars

این طرح را در قالب طرح «حفاظت جهانی در برابر حملات محدود»^۱، پیش برد. این طرح در دوره کلینتون به طرح «دفاع ملی موشکی»^۲ تغییر نام داد و سرانجام در دوره باراک اوباما در قالب «طرح چندمرحله‌ای»^۳، شامل استقرار سامانه در چک و لهستان و استقرار رادار در ترکیه، موجب غافلگیری روسیه شد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴). استقرار سامانه ضد موشکی، فعالیت سیستم‌هایی را که به سوی کسب توانمندی موشکی تهاجمی می‌روند بسیار پرهزینه و در عین حال غیر جذاب می‌کند (The Institute for Foreign Analysis, 2009: 14).

۱-۱-۶. اقدامات آمریکا در استقرار سامانه‌های موشکی

آمریکا در استقرار این سامانه در حوزه نفوذ سنتی روسیه تاکنون چند گام عملی برداشته است:

۱. ایالات متحده و جمهوری چک در ۸ ژانویه ۲۰۰۸ پیمان استقرار رادارهای سامانه ضد موشکی آمریکا را امضا کردند. اما با توجه به مخالفت و حساسیت روسیه، آمریکا، در سال ۲۰۱۹ بخش‌هایی از این سامانه را در پایگاه دوسلوی رومانی و در ۲۰۲۰ در لهستان مستقر کرد (میرطاهر، ۱۳۹۶).

۲. آمریکا در می ۲۰۱۹ سامانه دفاع موشکی هوایی «تاد» را در رومانی مستقر (Malyasov, 2019) و در ماه ژوئن آن را عملیاتی کرد. سامانه دفاع موشکی تاد همراه با سامانه دفاع موشکی «ایجیس» بخش مهمی از رویکرد ناتو در حمایت از متحدان اروپایی است (balkaninsight, 2019).

۳. آزمایش موفقیت‌آمیز یک مدل موشک کروز از سوی آمریکا در ۱۸ اوت ۲۰۱۹، دو هفته پس از خروج از پیمان منع تولید موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (INF) با روسیه^۴ (Werner, 2019).

۱-۲. اقدامات روسیه در استقرار سامانه‌های موشکی

۱. راه‌اندازی رادار کالینینگراد در کرانه دریای بالتیک و بین لهستان و بلاروس (جوان‌پور هروی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷) و استقرار موشک‌های دفاعی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ و تهاجمی اسکندر در کالینینگراد.

1. Global protection against limited strikes
2. National missile defense
3. Phase
4. INF



۲. تجهیز نیروی هوایی بلاروس به موشک‌های ضد هوایی «تور ام ۲» روسیه در چارچوب ایجاد سامانه دفاع هوایی با کشورهای بلاروس و ارمنستان.
۳. استقرار نخستین سامانه دفاع ضد هوایی اس ۳۰۰ در نوامبر سال ۲۰۱۹ در مرز تاجیکستان با افغانستان (reporterly, 2019).
۴. استقرار بمب افکن‌های هسته‌ای دور پرواز توپولف-۲۲ ام در کریمه و استقرار جنگنده‌های میگ-۲۹ و سوخو-۲۷ در کریمه (uawire, 2019).
۵. موفقیت در تست سامانه موشکی «اس-۵۰۰»، یک منبع وزارت دفاع روسیه گفت سامانه اس-۵۰۰ به همراه سامانه «پنتیسیر-اس ام» با هدف انهدام اهداف دور و نزدیک دشمن تکمیل شده است (uawire, 2019).
۶. استقرار و راه‌اندازی اولین واحد موشک‌های مافوق صوت «آوانگارد» در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹، این موشک‌ها با توانایی حمل سلاح اتمی می‌توانند ۲۰ بار سریعتر از صوت حرکت کنند (BBC, 2019).
۷. تجهیز و نوسازی ناوگان دریای سیاه، رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۱۵، اعلام کرد سامانه دفاع موشکی با برد حداکثر ۴۵۰ کیلومتر، بخش اعظم دریای سیاه را از بندر کریمه پوشش می‌دهد. همچنین در اوایل سال ۲۰۱۸ روسیه سامانه موشکی سطح به هوای S-400 (SAM) را در کریمه مستقر کرد. روسیه همچنین هواپیماهای جنگی Su-24 و Su-30SM و بالگردهای Ka-27/29 را به کریمه اعزام کرد (kuimova & wezeman, 2018).

۲-۶. انجام مانورهای نظامی در دریای سیاه

دومین شیوه از سیاست تقابلی روسیه با آمریکا و ناتو، شامل مانورهای مشترک یا جداگانه در دریای سیاه است. ناوشکن نیروی دریایی آمریکا که به سیستم دفاع موشکی مجهز است، اغلب در دریای سیاه است. در ماه ژانویه ۲۰۱۹، این ناوشکن برای تمرین با گارد ساحلی گرجستان در باتومی بود و سپس وارد بندر اودسای اوکراین شد. از ابتدای سال ۲۰۲۰ تاکنون، ۵ ناوشکن آمریکایی وارد دریای سیاه شده و با نیروی دریایی اوکراین، بلغارستان، رومانی، گرجستان و ترکیه رزمایش برگزار کردند. حضور چنین ناوگانی برای روس‌ها تحریک کننده است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۹). از جمله این رزمایش‌ها عبارتند از:

رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا ... ۱۵۳

۱. ناوشکن آمریکایی پورتر در ۱۳ آوریل ۲۰۲۰ با ناوگان نیروی دریایی رومانی رژی‌نا ماریا در دریای سیاه تمرین مانورینگ انجام داد. همچنین ناوشکن دونالد کوک USS در تاریخ ۱۱ آوریل پس از شرکت در یک دوره آموزشی فرماندهی زیردریایی انگلستان، وارد دریای بالتیک شد (NATO, 2020).

۲. اجرای رزمایش سی بریز^۱ در بخش شمال غربی دریای سیاه، در این مانور حدود ۳۰۰۰ سرباز از ۱۹ کشور، ۳۲ فروند کشتی جنگی و ۲۴ فروند هواپیما شرکت کردند (ABCNEWS, 2019).

۳. ناوشکن موشکی کلاس آرلی بورک USS Porter (DDG 78) و یک هواپیمای نظارتی P-8A Poseidon در مانورهای چند جانبه به همراه بلغارستان، گرجستان، نروژ، رومانی، اسپانیا، ترکیه و اوکراین شرکت کردند. این رزمایش با مشارکت دو هزار نیروی نظامی، ۲۶ کشتی و ۸ هواپیما، شامل عملیات ممنوعیت دریایی، پدافند هوایی، جنگ ضد زیر دریایی، عملیات کنترل و جستجو برگزار شد (O'Connor, 2020). در این رزمایش حدود ۴۰۰ دریانورد آمریکایی و ۲۰۰۰ نیروی ناتو در مانور دریای سیاه به میزبانی اوکراین و ایالات متحده شرکت کردند (vandiver, 2020).

۴. رصد ناوشکن موشکی هدایت‌گر ایالات متحده در دریای سیاه از سوی روسیه، مرکز کنترل دفاع ملی وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ناوگان دریای سیاه روسیه حرکات ناوشکن موشکی آمریکایی موسوم به USS Ross را تحت نظر دارد» (TASS, 2020).

۵. رزمایش ناوگان دریایی روسیه اندکی پس از مانور سی بریز اوکراین و آمریکا در دریای سیاه با مشارکت هواپیماهای جنگی و بیش از ۲۰ کشتی از ناوگان دریای سیاه روسیه (ecns, 2020).

۶. رزمایش پرتاب موشک از سوی روسیه، بیش از ۳۰ کشتی جنگی و ۳۹ هواپیما از جمله چندین بمبافکن استراتژیک Tu-95 در این رزمایش شرکت کردند. رئیس‌جمهور روسیه با افسران ناو دریایی مارشال اوستینف که بخشی از ناوگان شمالی در Severomorsk روسیه است، ملاقات کرد (defensenews, 2020).





۷. تمرینات نظامی مشترک سالانه روسیه با تاجیکستان، در این تمرینات سالانه که در سال جاری میلادی نیز برگزار شد، حدود ۱۰۰۰ نیرو و بیش از ۳۰۰ سیستم تسلیحاتی شرکت داشتند (TASS, 2020b).

۶-۳. جنگ پنج روزه روسیه و گرجستان ۲۰۰۸

جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ یکی دیگر از مصادیق رقابت میان روسیه با ناتو است؛ رقابتی که سرانجام به جنگ روسیه با گرجستان بر سر استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا منجر شد. درگیری بین روسیه و گرجستان در اوستیای جنوبی موجب به چالش کشیدن و تغییر فضای امنیتی در منطقه دریای سیاه و اقدام تفلیس به بازنگری در سیاست دفاعی خود شد. در دسامبر ۲۰۱۱ پارلمان گرجستان سند جدید امنیت ملی را تصویب کرد. این سند با در نظر گرفتن درگیری‌ها در آگوست ۲۰۰۸، سیاست خارجی «تهاجمی» روسیه علیه گرجستان را یکی از مهمترین تهدیدات پیش‌روی گرجستان معرفی کرده است (kuimova and Wezeman, 2018: 3). این سند همچنین توسعه بیشتر روابط با اعضای ناتو و اتحادیه اروپا را مورد توجه قرار داده است. این در حالی است که ایالات متحده از سال‌ها قبل در کنار ارسال کمک‌های نظامی، آموزش نیروهای گرجی و برقراری مانورهای مشترک با تفلیس، می‌کوشد با استفاده از برنامه‌های تلویزیونی، وب‌سایت‌ها و برخی کتب به مبارزه با آنچه که روس‌ها در هدف قرار دادن افکار عمومی جامعه گرجی دنبال می‌کنند، بپردازد. سفارت آمریکا در تفلیس برای این پروژه تاکنون هزاران دلار هزینه کرده است (سعیدی، ۱۳۹۶). واقعیت این است که گرجستان به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی و همسایگی با دریای سیاه برای ناتو از اهمیت زیادی برخوردار است. این کشور به‌عنوان دالان حمل‌ونقل انرژی و کالا از ناحیه خزر به دریای سیاه است و از نظر ناتو، کشیده شدن دامنه نفوذ این سازمان به این منطقه می‌تواند مانند مرز جدید ناتو عمل کند تا بر امور مناطق همجوار روسیه کنترل داشته باشد (نظریه نظم جهانی والرش‌تاین). گرجستان نیز معتقد است عضویت در ناتو امنیت آن را در مقابل روسیه تضمین خواهد کرد (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۰: ۴۶). این درحالی است که روسیه به‌وسیله رژیم‌های جدایی‌طلب همچون آبخازیا و اوستیای جنوبی می‌کوشد عضویت گرجستان در ناتو را به چالش بکشد. به این ترتیب روشن است که تلاش گرجستان برای پیوستن به نهادهای اقتصادی و امنیتی غربی و متقابلاً مانع تراشی‌های

مسکو موجب شده تا این موضوع همچون آتش زیر خاکستر، امکان شعله‌ور شدن مجدد و برهم زدن توازن فعلی قدرت را در آینده داشته باشد.

۶-۴. درگیری نظامی روسیه و اوکراین در تنگه کرچ ۲۰۱۸

درگیری‌های نیابتی میان روسیه و رقبای غربی آن بار دیگر در سال ۲۰۱۸ در پی حمله ناوگان دریای سیاه روسیه به سه کشتی اوکراینی در تنگه استراتژیک کرچ^۱ به وقوع پیوست. این حادثه در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸ زمانی که گارد ساحلی روسیه در تنگه کرچ (دالان ارتباطی دریای سیاه به دریای آزوف) از عبور سه کشتی نیروی دریایی اوکراین ممانعت کرد، روی داد. روسیه با شلیک به سمت کشتی‌های اوکراینی و بازداشت ۲۳ خدمه آن‌ها، اعلام کرد این کشتی‌ها وارد آب‌های سرزمینی این کشور شده بودند. این در حالی است که اوکراین استنادات حقوقی مبنی بر آزادی آمد و شد در دریای آزوف و تنگه کرچ را مبنا قرار می‌دهد (پولاب، ۱۳۹۷). در نخستین واکنش‌ها به این درگیری، دبیر کل ناتو استفاده روسیه از نیروی نظامی را موجب تشدید بحران در منطقه دانست. برخی کشورهای اروپایی مانند انگلیس، لهستان و کشورهای حوزه بالتیک با اعلام نارضایتی از برخورد روسیه با اوکراین، خواهان تحریم‌های جدید ضد مسکو شدند. اتحادیه اروپا از روسیه خواست امکان «عبور آزادانه از تنگه کرچ» را دوباره فراهم کند. ایالات متحده نیز خواستار بازنگری در خط لوله گازی زیر دریایی روسیه به آلمان شده است. روزنامه واشنگتن‌پست در باره این رویداد نوشت: «حمله به ناوگان دریایی اوکراین، جزیی از یک پروژه عظیم روسیه است». آن اپلباوم، نویسنده این یادداشت با اشاره به برخی علل داخلی و بین‌المللی ماجراجویی روسیه در تنگه کرچ افزود: «این حادثه یک هشدار بود. اگر غرب یک استراتژی وسیع و مشخص برای خاتمه دادن به این جنگ نداشته باشد، این روند، الگوی سال‌های بعد خواهد بود (Applebaum, 2018). درگیری‌ها در تنگه کرچ به همین جا ختم نشد. در ۲۵ جولای ۲۰۱۹ کمتر از یکسال پس از درگیری‌های روسیه با نیروی دریایی اوکراین، این بار نیروی دریایی اوکراین یک نفت‌کش روسی را در ایالت اودسا به بهانه نقش داشتن در اتفاقات سال گذشته در تنگه کرچ توقیف کرد. وزارت امور خارجه روسیه درباره «گروگان‌گیری» هشدار داد و تهدید کرد که اگر





شهروندان روسیه «گروگان» گرفته شده باشند، اوکراین باید منتظر پیامدهای آن باشد (Dw, 2019).

۶-۵. کنوانسیون مونتروکس ۱۹۳۶

یکی دیگر از مصادیق اختلاف میان روسیه با ناتو و آمریکا به ماهیت کنوانسیون مونتروکس^۱ باز می‌گردد؛ اختلافاتی که ظرفیت تبدیل شدن به مناقشه میان دو طرف را در آینده دارد. کنوانسیون مونتروکس مصوب ۱۹۳۶ میلادی در رابطه با رژیم تنگه‌ها، ترکیه را موظف می‌کند به جز در زمان جنگ یا زمانی که توسط یک قدرت خارجی تهدید می‌شود، به کشتی‌های تجاری اجازه عبور آزاد از تنگه بسفر و داردانل بدهد. البته در زمان صلح این کنوانسیون محدودیت‌های قابل توجهی برای کشتی‌های غیر عضو دریای سیاه اعمال کرده است، از جمله اینکه، هیچ کشوری نمی‌تواند بیش از ۹ کشتی دریایی که بیش از ۱۵۰۰۰ تن کالا جابجا می‌کنند، وارد دریای سیاه کند و هیچ گروهی از کشورهای حاشیه دریای سیاه نیز نمی‌توانند کشتی‌های دریایی با وزن بیش از ۴۵۰۰۰ تن وارد کنند. کنوانسیون تصریح دارد که هیچ کشتی بیش از ۲۱ روز نمی‌تواند در دریای سیاه حضور داشته باشد. در اواسط ماه فوریه ۲۰۱۹، دبیرکل ناتو، با اشاره به لزوم تقویت بیشتر حضور اتحادیه در دریای سیاه، ادامه اعتبار کنوانسیون مونتروکس را مانعی بر سر راه حضور دائمی اتحادیه در دریا اعلام و بر ضرورت بازنگری در مفاد آن تأکید کرد. آمریکا نیز این کنوانسیون را مانعی بر سر راه اهداف خود می‌داند. به طوری که بارها آن را نقض کرده یا خواهان تجدید نظر در آن است (بهمن، ۱۳۹۹). سیاستمداران روسی این موضوع را نوعی «تحریک» مسکو توصیف می‌کنند. مسکو تلاش می‌کند در صورت بازنگری در کنوانسیون، مدت حضور کشتی‌های ناتو در دریای سیاه از ۲۱ روز کاهش یابد. روس‌ها حضور کشتی‌های ناتو در دریای سیاه به ویژه در بنادر اوکراین و گرجستان را چالشی برای این کشور می‌دانند (Goble, 2019). پس در جنگ ۲۰۰۸ روسیه و گرجستان، ترکیه به موجب کنوانسیون مونتروکس اجازه ترانزیت یک کشتی بیمارستانی حدوداً ۷۰ تنی به نام USNS Comfort را به گرجستان نداد. بسیاری از کشتی‌های جنگی آمریکا که به گرجستان کمک می‌کردند، به دلیل محدودیت‌های کنوانسیون مونتروکس مجبور به عقب‌نشینی شدند. همچنین اقدام روسیه در منضم کردن

1. Montreux

شبه‌جزیره کریمه به خاک خود موضوع بازنگری در کنوانسیون مونتروکس را مطرح کرد. در این بحران ناوگان دریایی آمریکا در حمایت از تمامیت ارضی اوکراین قصد داشت با عبور از تنگه بسفر وارد دریای سیاه شود، اما با محدودیت زمان تردد از تنگه مواجه شد. کنوانسیون مونتروکس همچنین بر سر راه برنامه استقرار سامانه موشکی آمریکا و ناتو، مانع ایجاد کرد. از نظر واشنگتن دریای سیاه مناسب‌ترین مکان برای ناوگان حامل سامانه‌های موشکی است؛ اما کنوانسیون مونتروکس که تناژ و مدت زمان عبور کشتی‌های عبوری از تنگه‌ها را محدود می‌کند، مانع از آن شد تا کشتی‌های جنگی ناتو در دریای سیاه مستقر شوند (Yaylı, 2014).

به این ترتیب تقابل روسیه در برابر گسترش ناتو، اگرچه تاکنون در حد درگیری مستقیم نظامی پیش نرفته، اما تأثیرات منفی بر معادلات منطقه داشته و عملاً دو طرف را درگیر مسابقه تسلیحاتی در دریای سیاه کرده است. اکنون چند کانون بحران به صورت فعال و نیمه‌فعال در حوالی این دریا جریان دارد؛ مناقشه آبخازیا و اوستیای جنوبی، و مناقشه کریمه و قره‌باغ به صورت فعال، ثبات این دریا را تهدید می‌کند. در ضلع دیگر دریای سیاه درگیری ارتش ترکیه با جدایی‌طلبان کرد موجب شده تا گروه پ.ک.ک، خط لوله باکو-تفلیس-جیهان را هدف قرار دهد. واقعیت این است که مناقشات دریای سیاه که در گذشته بیشتر ماهیت بزهکارانه داشته و شامل نقل و انتقالات غیرقانونی و شبکه‌های جنایتکارانه از مولداوی تا بلغارستان بوده، اکنون تحت تأثیر رقابت‌های روسیه با ناتو و اتحادیه اروپا ماهیت استراتژیک به خود گرفته است، مناقشاتی که هر از گاهی تا مرز برخورد نظامی یا فشارهای اقتصادی نیز پیش رفته است.

۷. نتیجه‌گیری

در خصوص رقابت‌های روسیه و ناتو در چارچوب نظریات «سازه‌انگاری» و «نظم جهانی» نتایج زیر به دست آمده است:

به موجب نظریه سازه‌انگاری، ناتو متعاقب فروپاشی شوروی، خود را با تهدید از سه حوزه تمدنی- فرهنگی اسلاوی، اسلامی و کنفوسیوسی، در تقابل دیده و به سرعت حوزه مأموریت خود را به زیرمحیط‌های امنیتی منطقه همچون حوزه‌های نفوذ روسیه بسط داده است. همچنین در چارچوب نظریه نظم جهانی والرش‌تاین، ناتو با ایجاد چتر امنیتی برای حضور سرمایه‌های خارجی و پایین آوردن هزینه الحاق مناطق پیرامون به مرکز، در این پهنه آبی به ایفای نقش می‌پردازد. این اتحادیه با تقویت همکاری با شرکای منطقه‌ای دریای سیاه و به بهانه مبارزه با





جنايات سازمان يافته، دست‌اندازی خود را به مناطق توسعه‌نیافته و بحران‌خیز در حياط خلوت روسيه توجیه می‌کند.

ارائه تفاسیر موسع از مفهوم امنیت و ایجاد سازوکارهای نظامی ناتو در دریای سیاه در کنار تقویت متحدان منطقه‌ای، نشان می‌دهد این اتحادیه به‌عنوان سازمانی برخوردار از تاکتیک‌های پیشگیرانه، خود را از سازمان دفاعی و غیرمنعطفِ زمان جنگ سرد به سازمانی امنیتی و تهاجمی با کارکردهای چندگانه و برخوردار از تاکتیک‌های هوشمند تبدیل کرده است. با این وجود نگرانی اعضا از تشدید حساسیت روسیه، موجب شده تا ناتو همچنان پشت دروازه‌های اوکراین و گرجستان متوقف شود. مهار روسیه، تقویت بازدارندگی در برابر آن و تضمین امنیت تراتزیت انرژی از منطقه، موجب شده تا استراتژیست‌های غربی بر حضور موثر ناتو در دریای سیاه تأکید کنند. ضرورت حضور ناوگان دریایی آمریکا، انجام رزمایش‌های مشترک با شرکا، و استقرار سامانه‌های ضد موشکی در کشورهای منطقه از جمله این توصیه‌هاست، که به یک معنا فرضیه مقاله مبنی بر تأثیر این مناقشات بر تشدید مسابقات تسلیحاتی و افزایش نظامی‌گری در منطقه را اثبات می‌کند.

روس‌ها به خوبی واقفند که در نظام بین‌المللی پس‌انگ سرد، تغییرات بنیادین در جایگاه ژئوپولیتیکی این کشور رخ داده و این کشور را از ابرقدرت به موقعیت قدرت بزرگ تبدیل کرده است، با این حال به‌موجب نظریه سازه‌انگاری، تعریف مسکو از موقعیت خود، بر «هویت مستقل روسی» مبتنی است که باید از سوی رقیب مورد توجه قرار بگیرد. از این رو اجرای طرح‌هایی همچون استقرار سامانه‌های ضد موشکی، به‌شدت توازن نظامی موجود را به نفع آمریکا برهم می‌زند و بهانه آمریکا که این طرح برای مقابله با ایران و کره شمالی است، هیچگاه از سوی روس‌ها پذیرفته نشده است.

مسکو با علم به اینکه بیش از این توان بازدارندگی وسیع^۱ در مقابل توسعه‌طلبی‌های آمریکا و ناتو را ندارد، با رویکرد ایجاد بازدارندگی محدود^۲، می‌کوشد از تغییر وضع موجود جلوگیری نماید. همین مسئله موجب شده تا رقابت‌های این کشور با اعضای ناتو در دریای سیاه صرفاً در مرحله جنگ‌های نیابتی، آمادگی‌های رزمی- دفاعی و لجستیکی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با متحدان باقی بماند و وارد درگیری‌های مستقیم نظامی با ناتو و آمریکا در ابعاد بزرگ منطقه‌ای

1. Wide Deterrence

2. Limited Deterrence

نشود؛ حمایت روسیه از اعلام استقلال آبخازیا و اوستیا از گرجستان در سال ۲۰۰۸، الحاق بندر کریمه اوکراین در سال ۲۰۱۵، و نیز برگزاری رزمایش در دریای سیاه نمونه‌های روشنی از رویکرد تقابلی روسیه با رقا است. البته با توجه به تجربه جنگ‌های نیابتی میان روسیه و آمریکا در منطقه (همانند درگیری نظامی سال ۲۰۱۸ روسیه و اوکراین در تنگه کرچ) هیچ بعید نیست که کوچکترین اشتباه محاسباتی از سوی بازیگران رقیب منجر به جنگی ویرانگر در منطقه شود. بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و الحاق بندر کریمه به روسیه، اوکراین را بیش از گذشته به غرب نزدیک کرد، قراردادهای نظامی که میان غرب با اوکراین امضا شد، استقرار ناوگان آمریکا در دریای سیاه و نیز استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا در رومانی و لهستان، همگی از نتایج بحران کریمه است که صف‌بندی در شرق اروپا را تشدید کرده است.

۸. پیشنهاد‌های رسانه‌ای

روابط روسیه با ناتو و آمریکا در سه دهه گذشته، افت‌وخیزهای فراوانی داشته است. از این رو رسانه‌های برون‌مرزی در برنامه‌سازی هرچه بیشتر توجه کنند که این واقعیت برای مخاطبان به طرز دقیق شفاف‌سازی شود و این تصور پیش نیاید که از نظر روسیه، ناتو و آمریکا دشمن دائمی این کشور هستند.

در خصوص گسترش ناتو به شرق خصوصاً در دریای سیاه و بالتیک، رویکرد «رقابت توام با ترس» روسیه پررنگ‌تر از رویکرد همکاری بوده است. لذا این موضوع در قالب نشست‌های کارشناسی و برنامه‌های مستند برای مخاطبان در جمهوری‌های اوراسیا تبیین شود تا در مخاطبان و مسئولان این کشورها، امید به حمایت دائمی روسیه از آنها تقویت نشود.

در گزارش‌های مستند و میدانی که از سوی خبرنگاران صداوسیما مستقر در منطقه تهیه می‌شود، مانورهای نظامی آمریکا در دریای سیاه و واکنش روسیه به آنها بر اساس دیدگاه کارشناسان داخلی و بین‌المللی هر چه بیشتر بررسی شود.

از آنجا که تشدید رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه موجب بی‌ثباتی، تجزیه‌طلبی‌های بیشتر، و تشدید نظامی‌گری در منطقه شده، و در عمل زندگی مردم و توسعه منطقه را تحت تأثیر قرار داده است، پیشنهاد می‌شود شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی در تولیدات خود به نقش مخرب آمریکا در بحران‌سازی‌های منطقه اشاره کنند. در این خصوص،





تولید مستندی از تجربه جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، که با حمایت‌های آمریکا از تفلیس رخ داد، می‌تواند مفید فایده باشد.

بهره‌گیری آمریکا از رسانه‌ها و جامعه مدنی، استفاده از قدرت نرم، ترویج ارزش‌های سکولار غربی و آموزش نافرمانی‌های مدنی به جریان‌های معارض در کشورهای خارج نزدیک روسیه موجب شده تا آمریکا در براندازی دولت‌های روس‌گرا در این حوزه به نتایج دلخواه خود دست یابد. از این رو پیشنهاد می‌شود رسانه برون‌مرزی به‌منظور تنویر افکار عمومی مردم منطقه مستندهایی در این زمینه تهیه و پخش کند و ابعاد دخالت آمریکا در امور داخلی کشورها به ویژه با استفاده از ان.جی.اوها از جمله بنیاد سوروس را هر چه بیشتر عیان سازد.

از آنجا که حضور ناتو در حیاط خلوت روسیه بر محیط امنیتی ایران نیز تأثیرگذار است، رسانه‌های برون‌مرزی کماکان باید همسو با دستگاه دیپلماسی ایران، تحرکات ناتو و آمریکا را در منطقه رصد کنند و به این فعالیت‌ها و آثار سوء مداخله قدرت‌های بیگانه در ترتیبات سیاسی امنیتی و اقتصادی مردم منطقه، پوشش خبری مناسبی بدهند.

جمهوری اسلامی ایران با اجرای ابتکاراتی در کمک به حل بحران‌های منطقه همواره کوشیده مانع از مداخله‌گری آمریکا و ناتو در ترتیبات منطقه شود. از این رو بهتر است رسانه‌های برون‌مرزی در قالب برنامه‌های مصاحبه‌محور یا گزارش مردمی در کشورهای مخاطب، این واقعیت‌ها را به مانند گذشته منعکس کنند.

منابع و مأخذ

کتاب و مقالات

- ابراهیمی، شهروز و نیکنام بیری (۱۳۹۵)، «روسیه و ناتو؛ از شراکت استراتژیک تا رقابت استراتژیک»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۶، صص ۲۴-۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، «منازعه غرب و روسیه در قالب انقلاب‌های نارنجی و آبی در اوکراین»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۲۷، صص ۵۶-۹.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران: موسسه نشر کلمه.
- اطاعت، جواد و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۸)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۵۵-۱۲۹.
- چوانپور هروی، عزیز؛ موسوی، محمدرضا و رحیم نوروزی (۱۳۹۶)، «تأثیر سپر دفاع موشکی آمریکا بر امنیت قدرت‌های منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۳۰-۱.
- خلف‌خانی، مهدی و مهدی عابدی (۱۳۸۸)، «جایگاهی ژئوپلیتیک سرمایه‌داری، ناتو کارگزار سرمایه‌داری مسلح»، **دانشنامه حقوق و سیاست**، شماره ۱۱، صص ۱۰۲-۸۷.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۹)، **فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۵)، «مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۶۵-۱۴۱.
- شبان فاریابی، معصومه (۱۳۸۷)، «عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری انقلاب رنگی گرجستان»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۴، شماره ۶۳، صص ۱۵۸-۱۳۷.
- شفیعی، نوذر و مسعود رضایی (۱۳۹۰)، «جنگ روسیه و گرجستان، زمینه‌ها و محرک‌های اثرگذار»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۴، شماره ۱۹، صص ۵۸-۳۹.
- فتاهی، شهرام (۱۳۸۸)، «آمریکا و انقلاب‌های رنگی در اوراسیا»، **موسسه مطالعات ایران و اوراسیا**، دوره چهارم، شماره چهارم، صص ۹۶-۷۵.
- قوام‌عبدالعلی (۱۳۸۶)، **روابط بین‌الملل، رویکردها و نظریه‌ها**، تهران: انتشارات سمت.
- کریمی‌فرد، حسین و مجید روحی‌دهبینه (۱۳۹۵)، «بیشینه‌سازی قدرت روسیه در قبال اوکراین»، **فصلنامه سیاست خارجی**، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۵۷۷-۵۲۱.
- کمیسون امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۲)، **استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱**، (ترجمه: جلال دهمشگی، بابک فرهنگی و ابوالقاسم راه‌چمنی)، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مرادی، سیدمهدی؛ مسلم گلستان و رحیم نوروزی (۱۳۹۴)، «تأثیر طرح سپر دفاع موشکی آمریکا بر امنیت روسیه در منطقه اوراسیا»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۱، شماره ۹۱، صص ۱۹۷-۱۶۵.
- منوری، سیدعلی (۱۳۸۴)، **گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.



مهرورز، آسیه (۱۳۹۰)، «بررسی تحولات رهنامه دفاعی - نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر محیط امنیتی ایران»، **نشریه راهبرد دفاعی**، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۳۴-۱.

والرشتاین، ایمانول (۱۳۸۱)، **سرمایه‌داری تاریخی**، (ترجمه: یوسف نراقی)، تهران: نشر قطره.

وٹوقی، سعید و مصطفی خیری (۱۳۹۵)، «اوکراین: عرصه تقابل غرب و روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۴، صص ۱۵۸-۱۳۳.

مصاحبه‌ها

بهمن، شعیب (۱۳۹۹ / ۶/۱۰)، «بررسی رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه»، (مصاحبه با نگارنده)، تهران.

کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۹/۶/۴)، «بررسی رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه»، (مصاحبه با نگارنده)، تهران.

میرطاهر، سیدرضا (۱۳۹۹/۶/۱۰)، «بررسی رقابت‌های روسیه با ناتو و آمریکا در دریای سیاه»، (مصاحبه با نگارنده)، تهران.

سایت‌ها

اسپوتنیک (۲۰۱۹)، «استقرار سامانه اس ۳۰۰ در پایگاه نظامی روسیه در تاجیکستان»، قابل دسترسی در: <https://sptnkne.ws/AjyH>

بهشتی‌پور، حسن (۱۳۹۷)، «سیگنال‌های روشن به بروکسل (ناتو) و واشنگتن با اهرم جنگ»، **موسسه مطالعاتی قفقاز**، قابل دسترسی در: <http://ccsi.ir>

پولاب، شهره (۱۳۹۷)، «شباهت درگیری‌های تنگه کرچ برای روسیه با واقعه خلیج تونکین در جنگ ویتنام»، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1980375>

سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۸)، «ناتو، افغانستان جهت‌ها و واقعیت‌ها»، **روزنامه اطلاعات**، شماره ۲۴۵۴۵.

کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶)، «روسیه، گرجستان و غرب در نهمین سالگرد بحران اوت ۲۰۰۸»، **ایرانس**، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir>

سعیدی، ساناز (۱۳۹۶)، «گرجستان: صحنه رویارویی ابتکارات آمریکایی و روسی»، **ایرانس**، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir>

منابع انگلیسی

Applebaum, A (2018), "Russia's latest attack on the Ukrainians is a warning to the west", Available at: <https://www.washingtonpost.com>

abcnews (2019), "NATO allies conduct Black Sea drills", By the Associated Press, Available at: <https://abcnews.go.com>

Blank, S (2015), "Russia's New Maritime Doctrine, Publication", **Eurasia Daily Monitor**, Vol.12, NO.15, Available at: <https://jamestown.org>

- balkaninsight (2019), "US Deploys THAAD Anti-Missile System in Romania", Available at: <https://balkaninsight.com/2019/06/06/us-deploys-thaad-anti-missile-system-in-romania/>
- Cia. Gov (2020), Central Asia: Russia, Available at: https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/print_rs.html
- BBC (2019), "Russia deploys Avangard hypersonic missile system", Available at: <https://www.bbc.com>
- Defensenews (2020), "Russia launches missiles in Black Sea during naval drills", Available at: <https://www.defensenews.com/training-sim/2020/01/09/russia-launches-missiles-in-black-sea-during-naval-drills/>
- DW (2019), "Ukraine seizes Russian tanker in Black Sea", Available at: <https://www.dw.com>
- Eurocontinent (2020), "The geopolitical significance of Black Sea Region in the Greater Power rivalry context and its importance in a potential new European Security Architecture", Available at: <http://www.eurocontinent.eu/2020/02/the-geopolitical-significance-of-black-sea-region-in-the-greater-power-rivalry-context-and-its-importance-in-a-potential-new-european-security-architecture/>
- Britannica (2020), Available at: <http://www.Britannica.com>
- ecns (2020), "Russia holds drills in Black Sea following NATO exercises", Available at: <http://www.ecns.cn>
- Nato (2020/08/20), Available at: <https://www.nato.int/cps/en/natolive/structure.htm>
- Nato (2020/07/21), "NATO forces take part in exercise Sea Breeze in the Black Sea" Available at: <https://www.nato.in>
- Nato (2020/07/22), "NATO forces take part in exercise Sea Breeze in the Black Sea", Available at: <https://www.nato.int/cps/en/natohq/news>
- Nato (2020/04/17), "US destroyers conduct operations with NATO Allies in the Baltic and Black Seas", Available at: <https://www.nato.int>
- Reporterly (2019), "Russia Deploys S-300 Missile System to Border with Afghanistan", Available at: <https://www.themoscowtimes.com/2019/10/28/russia-deploys-s-300-afghan-border-first-time-a67935>
- Tass (2020), "Russia's Navy tracks movements of US guided-missile destroyer in Black Sea", Available at: <https://tass.com/defense/1123243>
- Tass (2020b), "Russian troops eliminate overwhelming enemy forces during drills in Tajikistan", Available at: <https://tass.com/defense/1134095>
- Joja, I. Sabina (2020), "Three conflictscenarios for the black sea in 2020", foreign policy research institute, Available at: <https://isnblog.ethz.ch/conflict/three-conflict-scenarios-for-the-black-sea-in-2020>
- kuimova, A and wezeman, T (2018), "russia and black sea security", Available at: <https://www.sipri.org/publications/2018/sipri-background-papers/russia-and-black-sea-security>





- Malyasov, D (2019), "U.S. deployed THAAD air missile defense system to Romania", Available at: <https://balkaninsight.com/2019/06/06/us-deploys-thaad-anti-missile-system-in-romania/>
- Mearsheimer, j.john (2015), "Don't Arm Ukraine", The New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2015/02/09/opinion/dont-arm-ukraine.html>
- Goble, P (2019), "Moscow Mulls Revising Montreux Convention in Response to NATO Presence in Black Sea", Available at: <https://www.realcleardefense.com>
- Kappen, R (1996), **Collective identity in a democratic community: The case of NATO**, The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics, Columbia University Press, New York, p.357-399.
- Schubert, L. Ellen (2019), "Irish Guard participates in Agile Spirit 19", Available at: <https://www.dvidshub.net>
- The Institute for Foreign Analysis (2009), **Missile Defense, the Space**
- Trisman, D (2016), "Why Putin Took Crimea", Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/ukraine/2016-04-18/why-russian-president-putin-took-crimea-from-ukraine>
- Toucas, B (2018), "Turkey Has No Allies in the Black Sea, Only Interests", available at: <https://www.csis.org>
- Trt (2016/07/12), Available at: <https://www.trt.net.tr>
- Uawire (2019), "Kremlin: Russia deployed long-range bombers in Crimea", Available at: <https://www.uawire.org/kremlin-russia-deployed-long-range-bombers-in-crimea>
- vandiver (2020), "US, Ukraine launch Black Sea drills while Moscow puts its fleet on alertm"
- Werner, b (2019), "U.S. Tests First Post-INF, Ground-Based Cruise Missile", Available at: <https://news.usni.org>
- Yaylali, Cem Devrim (2014) , "The Montreux Convention Regarding the Regime of the Straits": A Turkish Perspective, Available at: <https://sldinfo.com>